

گزارشی اجمالی از کتاب سبک شناسی کاربردی نوشته لارا رایت و جاناتان هوپ و ترجمه محمدباقر برقی مدرس

محمود قربان صباغ^۱

کتاب سبک شناسی کاربردی با ترجمه آقای محمد باقر برقی مدرس در سال ۱۳۹۶ با تیراژ هزار جلد از سوی انتشارات علمی و فرهنگی در ۲۵۳ صفحه چاپ شده است. این گزارش مختصر تلاش می‌کند در سه بخش به معرفی اثر و ترجمه آن پردازد: الف: توصیف اصل کتاب و فصل بندی‌های آن؛ ب: نقد و بررسی اجمالی کتاب اصلی؛ ج: بررسی اجمالی ترجمه کتاب.

کتاب اصلی با عنوان *Stylistics: A Practical Coursebook* به قلم لارا رایت (Laura Wright) و جاناتان هوپ (Jonathan Hope) در سال ۱۹۹۶ توسط انتشارات راتلج چاپ و در پنج فصل با عناوین زیر تنظیم شده است: ۱- عبارات اسمی؛ ۲- عبارات فعلی؛ ۳- جمله‌واره؛ ۴- ساختار متن و ۵- واژگان. نویسندگان در مقدمه کتاب هدف از چاپ آن را آشنایی با تکنیک‌های تجزیه و تحلیل متن با استفاده از دستور توصیفی و با تمرکز بر طیف گسترده‌ای از متون [منتور] ادبی قرن بیستم معرفی می‌کنند. مبنای این اثر، دستور نقش‌گرایی مایکل هیلیدی^۲ بوده که برای مبتدیان، ساده سازی شده است. به جز فصل آخر که به مقوله «واژگان» می‌پردازد و به زعم نویسندگان، محدودترین حوزه زبانی به شمار می‌آید، بقیه فصول بنابه اظهار نویسندگان بر اساس میزان دشواری تنظیم شده‌اند و قدم به قدم دشوارتر می‌شوند.

ناشر در پشت جلد کتاب اصلی اظهار می‌دارد که درک و استفاده از کتاب حاضر نیازی به هیچ دانش زمینه‌ای درباره زبانشناسی ندارد. در پشت جلد ترجمه کتاب هم اظهار شده است که «نیاز به وجود چنین کتابی برای دانشجویان رشته‌های زبان‌شناسی، ادبیات انگلیسی و ادبیات فارسی همیشه احساس می‌شده است».

نویسندگان، قالب مشخصی را برای ارائه مطالب در هر فصل به کار گرفته‌اند: بخش «تعریف» (Introduction) نکته ای دستوری را معرفی می‌کند. بخش «تمرین» (Task) متن یا متونی را برای بررسی نکته دستوری، مبنای توصیف و تحلیل قرار می‌دهد؛ اکثر متون مورد استفاده برای تمرین‌ها از نویسندگان

^۱ دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

برجسته انگلیسی زبان در قرن بیستم انتخاب شده است. نویسندگانی چون هنری جیمز^۳، اف. اسکات فیتزجرالد^۴، ویلیام فاکنر^۵، ایان فلمینگ^۶، ساموئل بکت^۷، وی.اس. نایپال^۸ و ... در بخش بعدی «توضیحات» (Solution) می‌آید که به سؤالات مطرح شده در بخش قبل پاسخ می‌دهد و در انتها بخش «نقد و بررسی» (Verdict) است که در آن نویسندگان نظرات خود را دربارهٔ متون بیان می‌کنند.

کتاب برای دانشجویان دوره کارشناسی نوشته شده، عاری از اصطلاحات تخصصی است و ظاهراً چارچوب نظری خاصی را دنبال نمی‌کند هر چند همان طور که پیش‌تر نیز اشاره شد مبنای چنین مطالعاتی دستور نقش‌گرایی مایکل هلیدی می‌باشد. نویسندگان کتاب هر جا اصطلاحی تخصصی را به کار می‌برند تلاش می‌کنند به ساده‌ترین صورت ممکن تعریفی را از آن ارائه دهند تا بتوانند در عمل، از این تعریف در تحلیل متن استفاده کنند. همان‌طور که گفته شد نویسندگان ابتدا سؤالاتی را دربارهٔ متون مطرح می‌کنند سپس به آنها پاسخ می‌دهند؛ به همین دلیل شاید نتوان کتاب را به عنوان کتاب درسی انتخاب کرد اما می‌توان آن را به عنوان منبعی کمکی در کنار متون دیگر برای تدریس در کلاس به کار گرفت.

یکی از مزایای کتاب آن است که به خواننده این امکان را می‌دهد تا قدم به قدم با مفهوم «سبک» آشنا شود تا در مراحل بعد بتواند آن را در متن کشف کند. از تمرین‌های مفید کتاب، تمرین بازنویسی متن برای مشاهده تغییرات سبکی است. این تمرین به خواننده این امکان را می‌دهد تفاوت‌های سبکی را از طریق مقایسه متون تغییر یافته با متن اصلی درک کند. البته متونی که برای بررسی در فصلی خاص گنجانده شده‌اند می‌توانند برای بررسی سایر ویژگی‌ها در فصول دیگر هم مورد استفاده قرار گیرند و از این نظر محدودیتی وجود ندارد.

کتاب، البته منتقدینی هم دارد. هیلی دیویس^۹ از دانشگاه لندن در انگلستان در بررسی کتاب اظهار می‌دارد که نویسندگان گاه در ساده‌سازی مطالب راه افراط پیش گرفته، تصویر مخدوشی از مفاهیم زبانی را به مخاطب انتقال می‌دهند. به نظر او، نویسندگان همواره نتوانسته‌اند خلاء بین توصیف صورت دستوری و تأثیر سبکی اثر را به خوبی پر کنند. به زعم او، بحث دربارهٔ تأثیر سبکی نیاز به دقت بیشتری در طراحی تمرین‌های کتاب دارد. به نظر دیویس نویسندگان تلاش نمی‌کنند به شیوه استقرایی مخاطبان کتاب را به سوی نتیجه‌گیری سوق دهند بلکه با بیان نظر خود در بخش «نقد و بررسی» به آنها دیکته می‌کنند که چطور باید متن را بفهمند. دیویس سپس به نقد و طرح اشکالاتی تخصصی در پنج

Henry James^۳
F. Scott Fitzgerald^۴
William Faulkner^۵
Ian Fleming^۶
Samuel Beckett^۷
V.S. Naipaul^۸
Hayley Davis^۹

فصل کتاب می‌پردازد. ذکر این اشکالات می‌تواند برای خواننده اثر به زبان انگلیسی تا حد زیادی راهگشا باشد اما برای خواننده فارسی این گزارش به دلیلی که در ادامه ذکر خواهد شد نمی‌تواند خیلی مفید واقع شود. دیویس در پایان اظهار می‌دارد نویسندگان که هدفشان ساده‌سازی مفاهیم برای خواننده بوده در توصیف دستوری و بیان تأثیر سبکی گرفتار نوعی ساده‌انگاری شده‌اند.

حال صرف نظر از نقاط قوت و ضعف کتاب در زبان انگلیسی، سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا چنین کتابی برای ترجمه انتخاب شده است؟ مخاطب این کتاب در زبان فارسی کیست؟ ترجمه این کتاب قرار است چه مشکلی را حل کند؟ ترجمه کتاب‌هایی از این دست، باید بتواند درکی از موضوع را به خواننده زبان مقصد انتقال دهد اما واقعیت این است که هدف کتاب در اصل، مخاطب انگلیسی زبان بوده است و اساساً ترجمه اثر در بسیاری بخش‌ها نه ممکن است و نه مطلوب.

مترجم اثر هم به ناچار در بسیاری موارد متون اصلی به ویژه متن‌های منتخب برای تحلیل را عیناً به زبان اصلی در ترجمه خود آورده است. آنچه در نهایت ترجمه شده پاره‌ای توضیحات است که حجم اندکی از مطالب کتاب ترجمه‌شده را شکل می‌دهد. خواننده فارسی زبان، یا انگلیسی می‌داند و با ساختارهای دستوری و سبکی انگلیسی آشنایی دارد یا ندارد؛ اگر زبان انگلیسی بداند و به موضوع مورد بحث هم علاقه‌مند باشد اصل کتاب را مطالعه می‌کند و بدیهی است در این صورت نیازی به ترجمه کتاب ندارد؛ اگر هم به قدر کفایت انگلیسی نداند یا به موضوع علاقه‌ای نداشته باشد، با توجه به حجم بالای متون اصلی در ترجمه و ناآشنایی او به زبان انگلیسی رغبتی به خواندن کتاب نشان نخواهد داد. اگر استدلال فوق را بپذیریم آن‌گاه باید اذعان کنیم که کتاب، متأسفانه مخاطب چندانی در زبان فارسی نخواهد داشت.

صرف نظر از مباحث تحلیلی که در بررسی متون انگلیسی به کار رفته است، کتاب، در کل می‌تواند شیوه جدیدی را برای مطالعات سبک اثر پیش روی مخاطب فارسی قرار دهد. مخاطب فارسی زبان اگر حوصله به خرج دهد و کتاب را نه حتی به طور کامل بلکه گزیده‌ای از آن را با دقت بخواند متوجه خواهد شد چگونه می‌توان مباحث دستوری را به طور نظام‌مند به استخدام تحلیل سبک اثر درآورد. از این نظر کتاب می‌تواند برای این گروه اندک احتمالاً الهام‌بخش باشد و مسیری را برای مطالعات سبکی آینده در ادبیات فارسی ترسیم نماید. به نظر می‌رسد به کارگیری روش کتاب (و نه محتوای آن!) در ایجاد رابطه بین توصیف دستوری و مباحث سبکی و کاربرد آن در تحلیل متون مثنوی فارسی می‌تواند چارچوب نظام‌مندی را برای مطالعه سبک پیش روی سبک‌شناسی نوین در ادبیات فارسی قرار دهد. البته این همه بدون توجه به مباحث زیربنایی مربوط به دستور نقش‌گرا در زبان فارسی که در بالا به آن اشاره شد و از حوزه‌های تخصصی زبانشناسی به شمار می‌آید قدری دور از انتظار به نظر می‌رسد.

Davis, H. (1997). *Book Reviews: Stylistics: A Practical Coursebook by Laura Wright and Jonathan Hope, 1995. London: Routledge, pp. xviii+237, ISBN 0 415 11381 4 (pbk).* *Language and Literature*, 6(2), 156-
۱۶۰. doi:10.1177/096394709700600208